بسم‌الله الرحمن الرحیم

[اجتهاد و تقلید 2](#_Toc432130842)

[معرفت‌شناسی 2](#_Toc432130843)

[نسبیت در شناخت 2](#_Toc432130844)

[سایر مکاتب در این مقام 2](#_Toc432130845)

[مزاحمات و معدات شناختی 2](#_Toc432130846)

[مصداق نسبیت شناختی 2](#_Toc432130847)

[نتیجه گیری 3](#_Toc432130848)

# اجتهاد و تقلید

# معرفت‌شناسی

# نسبیت در شناخت

آنچه گفته شد و اصل آن نیز قابل‌انکار نیست، به معنی نسبیت مطلق در معرفت و شناخت نیست، چراکه می‌گوییم شناخت ما راه به حقیقت دارد که بر اساس ضوابط منطقی است. و اثرگذاری صفات بر آن‌ها به نحو فی‌الجمله است نه بالجمله که در حقیقت اعم از صفات است و مجموعه‌ای از احوال روحی را دربرمی گیرد.

شناخت تابع این موارد است و حصول آن‌ها بدون این حالات ممکن نیست.

## سایر مکاتب در این مقام

اصولاً شناخت، قابل مدیریت و وصول است. مارکسیست‌ها قائل بودند که شناخت افراد تابع جایگاه اقتصادی افراد است، سایر نسبیت‌گراها نیز بدین گونه بودند که فرد را در نقطه‌ای متوقف می‌کردند.

## مزاحمات و معدات شناختی

البته در این راستا معد و مزاحمات درونی وجود دارد که باید کنترل گردد. لذا هم واقعی وجود دارد و هم می‌توان بدان راه یافت. بنابراین گزاره‌های درونی ما می‌تواند دقیقاً بر واقع منطبق گردد. هرچند زمان وصول به آن می‌تواند تحت شرایط گوناگون تفاوت پیدا کند.

## مصداق نسبیت شناختی

لذا نباید به سمت نسبیت در معرفت رفت و قائل شد که این گزاره‌ها ممزوج گزاره‌های بیرونی و خواسته‌های درونی ماست. یعنی تأثر ما از خارج با ساختارهای ذهنی عوامل شناختی را تشکیل می‌دهند و تصور و تصدیق شخص را شکل داده‌اند.

## نتیجه گیری

شبیه این بیان نیز ممکن است کسی ایراد کند و آن را در همه علوم تسری دهد. درمجموع نمی‌توان قائل شد که راهی برای ادراک واقع بماهو واقع موجود نیست و باز نمی‌توان گفت که این راه قابل پیمودن نیست. و هرگونه ای دیدگاهی که نسبیت اخلاق منتهی گردد، مردود خواهد بود.